

مبانی تحولات مربوط به دیه زن مرد در قوانین کیفری از دیدگاه فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران

امیرحسین درخشان^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بم، ایران

فرزانه رنجبرزاده

استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد بم

چکیده

دیه به عنوان یکی از مجازات هایی است که جایگزین مجازات قصاص می شود، اما میزان و اندازه دیه در فقه اسلامی و حقوق کیفری ایران با توجه جنسیت تعیین شده است. در این تحقیق با روش تحلیلی- توصیفی به بررسی مبانی تحولات پرداخت دیه در زن و مرد پرداخته شده است. در فقه اسلامی نظر مشهور فقهاء بر این است که دیه زن کمتر از مرد تعیین می شود و دلایل مختلفی را نیز پیرامون آن بیان کردیم، اما نظرات مخالف نظر مشهور نیز وجود دارد که قابل توجه است. در نظام کیفری ایران که منشاء اولیه آن فقه امامیه است نیز نظر مشهور فقهاء معیار قانونگذاری قرار گرفته است، اما تحولات جامعه و عرف نیز در گذر زمان باعث ایجاد تغییرات زیادی در زندگی انسانها شده است. بنابراین در سالیان اخیر قوانین کیفری انعطاف بیشتری داشته و تحولات مثبتی در جهت تغییر میزان دیه زن صورت پذیرفته است. قانون بیمه اجباری وسایل نقلیه موتوری نمود بارزی از این تحولات است که دیه زن و مرد را در تصادفات رانندگی برابر اعلام کرده است.

واژگان کلیدی: دیه، فقه، حقوق، جنسیت، تحولات

^۱ نویسنده مسئول. hmr.amirhossein.dr@gmail.com

مقدمه

برابری یا نابرابری دیه ی زن و مرد مسلمان یکی از مسائل بحث برانگیزی است که امروزه در جوامع بشری مورد توجه قرار گرفته است که با توجه به تجزیه و تحلیل ماهیت دیه و ذکر ادله طرفین پیرامون تساوی و نابرابری، باید گفت که راه برای اجتهاد در باب تساوی دیه زن و مرد بسته نیست و می توان نظریه برابری را بررسی کرد؛ همانند ماده ۵۵۱ قانون مجازات ۹۲ که قائل به تساوی دیه زن و مرد در تصادفات شده است.

امروزه در سطح بین المللی، تلاشهای گسترده ای برای برقراری تساوی حقوق زن و مرد، در همه ی زمینه ها صورت گرفته است و در اسناد بین المللی حقوق بشری، به ویژه کنوانسیونهای رفع تبعیض علیه زنان بر لغو یا اصلاح این قوانین تبعیض آمیز، تأکید شده است. در قانون مجازات اسلامی ایران که پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران، تدوین و تصویب گردید و اجرا می شود، مقررات متفاوتی نسبت به زن و مرد وجود دارد که هرچند برخی از آنها نسبت به زن جنبه حمایتی دارد ولی برخی هم به ظاهر تبعیض آمیز به نظر می رسند اما این نکته را نباید فراموش کرد که نظام حقوقی ایران منشاء اسلامی دارد و در بسیاری از موارد از جمله مسئله دیه زن از نظرات فقهای شیعه تبعیت کرده است. از نظر حقوق اسلامی تفاوت های حقوقی که برای زن و مرد در بعضی مسائل ناشی از تکالیف و حقوق آنهاست و تفاوت حقوق و تکالیف ناشی از تفاوت های روحی، روانی و طبیعی بین آنهاست. بنابر این چون زن و مرد در خلقت و آفرینش هم از لحاظ جسمی و هم از لحاظ روحی تفاوت هایی دارند بر همین اساس در نظام تشریح نیز تفاوت هایی با هم دارند. یک قاعده کلی حقوقی این است که اگر برای کسی حقی جعل شود تکلیفی نیز متناسب با آن حق بر او وضع می شود و بر عکس اگر بر کسی تکلیفی قرار داده شود حقی نیز متناسب با آن برای او جعل خواهد شد. بر این اساس اگر بر زنان تکالیفی مقرر شده است، حقوقی نیز مثل همان تکالیف برای او معین شده است و این مطلب در مورد مردان هم صدق می کند. متعادل و متناسب بودن حقوق و تکالیف زنان و متوازن بودن حقوق و تکالیف مردان یک اصل است. یعنی در هر جا مرد نیرو و توانایی بیشتری داشته باشد، تکالیف و مسئولیت های سنگین تری نیز بر عهده اش خواهد بود و اگر به ازای این تکالیف و مسئولیت ها حقوق و مزایای بیشتری برای او معین شود این رعایت تناسب و تعادل و مراعات عدالت است. همچنان که اگر به زنان به اقتضای وضعیت بدنی و طبیعی و قوت عاطفی و روانی تکالیف متفاوتی بر او وضع شود، متناسب با این تکالیف حقوق متناسبی نیز برایش تعیین شود.

مهم ترین تفاوت هایی که در قانون مجازات اسلامی در مورد زن و مرد وجود دارد، چهار مورد است که عبارت اند از؛ ضمان مسئولیت کیفری، میزان اعتبار شهادت، نحوه اجرای قصاص و دیه. بنابراین در این مقاله به تحولات دیه مرد و زن (قانون بیمه اجباری) در فقه و حقوق کیفری ایران خواهیم پرداخت.

مفهوم دیه در فقه و قانون مجازات اسلامی

دیه واژه ای عربی است که در اصل به صورت او دی بوده که بعد از حذف واو، به جای آن در آخر کلمه «ها» اضافه شده، مانند هبه که اصل آن وهب است، و به «دیه» تبدیل شده است و جمع آن «دیات» است. دیه در لغت عبارت است از: مالی که در عوض نفس مقتول، به ولی او داده می شود. این تعریف، از باب التسمیة الشئ باسم مصدره است و گاه بر بدل اعضاء (دست و پا) اطلاق می شود.

دیه مرد آزاد در زمان قبل از اسلام ده شتر بوده است. تا این که ماجرای عبدالمطلب و قرعه ای که به اسم عبدالله درآمد، اتفاق افتاد. از آن پس صد شتر به عنوان دیه پذیرفته عموم مردم شد و اسلام نیز آن را امضا و اجرا کرد. (قمی، ۱۳۹۰: ۵۶)

تنها تفاوت آن با دیه بعد از اسلام این بوده که دیه مقتول بر اساس طبقات اجتماعی به خانواده ی مقتول پرداخت می شد، به عبارت دیگر، دیه بزرگان و دیه بردگان با یکدیگر تفاوت داشت، اما وجه اشتراکش با دیه بعد از اسلام در این بود که دیه زن، نصف دیه مرد بود. (علی، ۱۹۶۹ م: ۵۶)

در قانون مجازات دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیر عمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است. (موسوی، ۱۳۹۵: ۴۵)

دیه در جواهرالکلام نجفی اینگونه آمده است: دیه مالی است که تأدیه اش بر شخص آزاد به سبب ارتکاب جنایت بر نفس یا غیر آن واجب میشود، خواه مقدار و مبلغ دیه از سوی شارع معین شده باشد یا نه؛ هرچند که دیه را معمولاً در مورد اول (یعنی نفس) به کار میبرند و در مورد دوم (یعنی اعضا) اصطلاح ارش و حکومت را استعمال میکنند. (نجفی، ۱۳۶۵: ۷۲۰)

در قاموس دیه را این گونه معنا می کند: دیه خون بهاست که حق کشته شده (قتیل) می باشد. "راغب اصفهانی در معجم الفاظ قرآن می فرماید:

يقال لما يعطى في الدم دية: آن چه در خون (قتل) پرداخته می شود، دیه نام دارد» در کتب لغت، واژه های مترادفی برای دیه آمده است که ذکر آنها برای روشن شدن مفهوم دیه، خالی از فایده نیست. (راغب اصفهانی: ۱۴۱۴: ۴۵۶)

تعریف امام خمینی (ره): ایشان در کتاب تحریر الوسیله، درباره تعریف دیه می نویسد:

دیه، مالی است که به خاطر جنایت بر نفسی یا کمتر از آن واجب می شود؛ چه میزان آن معین باشد چه معین نباشد، چه بسا که ده غیر معین را ارش و حکومت نامیده و دیه معین را دبه نام گذاری کرده اند» و با توجه به مفهوم لغوی و اصطلاحی دیه، که تفاوت چندانی میان این دو مفهوم، به چشم نمی خورد؛ بلکه در اصطلاح فقهای مذاهب اسلامی نیز دیه در همان مفهوم لغوی آن به کار برده می شود؛ تنها تفاوتی که میان معنای لغوی و اصطلاحی آن وجود دارد این است که در اصطلاح فقهای شیعه و اکثر مذاهب اهل سنت، دایره دیه عام تر است و قابل اطلاق بر نفس و پایین تر از آن مانند اعضاء نیز می باشد، اما اهل لغت، این واژه را بیشتر بر جنایت بر نفس به کار برده اند. از اهل سنت، فقهای حنفی نیز دیه را مختص جنایت بر اعضاء، ارش اطلاق می کنند؛ اما دیگر به چنین تفاوتی میان دیه نفس و دیه اعضاء اعتقادی ندارد. (خمینی، ۱۳۷۸: ۷۵)

مبانی دیه زن و مرد از نظر قرآن و فقه امامیه

منابع دیه در حقوق اسلام

منابع دیه در حقوق اسلام قرآن، اجماع، سنت و اجماع است که بدانها خواهیم پرداخت.

قرآن

در قرآن نیز مانند تورات و انجیل و با این تفاوت که صریح تر، به توضیح و تفسیر مسأله دیه پرداخته است؛ ابتدا در آیه ۳۲ سوره مائده به بیان یک حکم کلی پرداخته است و حکم فردی را که به ناحق شخص دیگری را بکشد، حکم فردی می داند که تمام مردم را کشته است.

درواقع فقها در این که این حکم برای نشان دادن قبح زیاد این عمل است، تقریباً به اتفاق رسیده اند، اما این حکم با نزول آیه ۹۲ سوره نساء تکمیل تر شد و در کنار دیه به عنوان جبران خسارت برای خانواده مقتول، مسأله کفاره را به عنوان یک حکم عبادی بیان کرده است.

سنت

در روایتی از امام باقر ع نقل شده است که در بین وصایای پیامبر در خطاب به حضرت علی ع آمده است که می فرمود:

علی، عبدالمطلب در جاهلیت پنج سنت را رایج کرده بود که خداوند آن ها را در اسلام تثبیت کرد. یکی از آن ها این بود است که دیه قتل انسان را صد شتر قرار داد و همین نیز در اسلام پذیرفته شد. (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۱۲۳)

امام صادق ع میفرمایند: دیه زن نصف دیه مرد است.

از ابان بن تغلب در حدیثی معشیر چنین آمده است، به امام صادق (ع) گفتم: «چه می گوئید درباره مردی که انگشتی از انگشتان زنی را بریده باشد؟» فرمودند: ده شتر» گفتم: «اگر دو انگشت را بریده باشد، چه؟» فرمودند: «بیت شتره پرسیدم گر سه انگشت را بریده باشد، چه؟» فرمودند: اسی شتره پرسیدم: «اگر چهار انگشت را قطع کرده باشد، چه؟» فرمودند: «بیست شتر» گفتم: «خدا منزله است؟ چگونه می شود که برای بریدن سه انگشت باید سی شتر بدهد و برای چهار انگشت، بیست شتر؟ ما هنگامی که عراقی بودیم، این سخن را شنیدیم، اما از آن فرد که چنین گفته بود. بیزاری می جستیم و می گفتیم این سخن از القانات شیطان است» پس امام (ع) فرمودند: «آرام باش ای ابان این حکم رسول خدا (ص) است. زن تا یک سوم دیه با مرد برابر است، اما هنگامی که دیه به یک سوم رسید، دیه زن به نصف برمی گردد. ای ابانا تو مرا از راه لباس رد کردی ولی بدان اگر سنت دینی مورد فباس فرار گیرد، دین نابود می شود.» (حر عاملی، ۱۴۰۱: ق: ۱۲۳)

اجماع

زمانی که نصی از قرآن و سنت وجود ندارد اجماع فقها آن را برای ما مشخص می کند. سومین منبعی که بر نصف بودن دیه زن نسبت به مرد بیان شده، این است که همه فقها به اتفاق، موضوع یادشده را پذیرفته اند و فتوا داده اند. (فیض، ۱۳۷۲: ۱۲۳)

دیه و ارش در فقه امامیه و اهل سنت فقهای شیعه و اهل سنت بر نصف بودن دیه زن نسبت به مرد در باب قتل اتفاق نظر دارند و در ماده ۵۵۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ به این نکته اشاره کرده است. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰: ۵۰)

صاحب جواهر در این باره می فرمایند: «اشکال و اختلافی نه در نص و نه در فتوا، بر نصف بودن دیه زن نسبت به مردم وجود ندارد. اجماع بر این امر قائم است و اخبار مستفیض و یا متواتر نیز در این باب وجود دارد و مسلمین بر این امر متفق اند، فقط از دو نفر به نام های ابن علی و ابن اصم نقل شده است که گفته اند: «دیه زن مثل دیه مرد است» (نجفی، ۱۳۶۵: ۷۵)

ابن قدامه در این باره می گوید: دیه زن مسلمان، نصف دیه مرد مسلمان است و اهل علم بر این امر اتفاق نظر دارند. فقط از ابن علی و ابوبکر اصم نقل شده که گفته اند: «دیه زن مثل دیه مرد است، زیرا پیامبر (ص) به طور مطلق فرموده: «دیه نفس مومنه صد اشتر است» ابن قدامه می گوید: «این فول شاز است و مغایر با اجماع و سنت پیامبر است».

فقهای همانند عبدالقادر عوده در کتاب تشریح القبائی و با عبدالرحمن جزیری در کتاب الفقه علی مذاهب اربعه و محمد بن عبد الواحد در کتاب شرح فتح القدر همین نظر را دارد.

مرحوم مقدس اردبیلی در کتاب مجمع الفائده و البرهان، این مسئله را به گونه ای مطرح کرده است که گویی اعتقاد چندانی به نصف بودن دیه زن ندارد. (مقدس اردبیلی، ۱۴۱۹: ۷۵)

امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله می فرماید: «دیه زن مسلمان آزاد نصف دیه مرد مسلمان آزاد است» (موسوی خمینی، ۱۳۹۲: ۵۰)

فقهای شیعه در باب اعضا و جراحات نیز با قانون مجازات اسلامی اتفاق نظر دارند. براساس ماده ۵۶۰ قانون مجازات اسلامی، دیه زن و مرد در اعضا و منافع تا کمتر از ثلث دیه کامل یکسان است و چنانچه ثلث یا بیشتر شود. دیه زن به نصف تقلیل می یابد.

شیخ مفید در کتاب مقنعه می گوید: «هر عضوی که در انسان، فرد باشد، در صورتی که از اصل بریده شود، دیه کامل دارد و هر عضوی که در انسان جفت باشد، جفت آن، دیه کامل بر حسب دیه عضو آسیب دیده است. (شیخ مفید، ۱۴۱۶: ۷۵)

فخر المحققین در قواعد معتقد است زن و مرد از لحاظ دیه و قصاص در اعضا با هم مساوی اند تا زمانی که مقدار دیه به ثلث برسد. وقتی به ثلث رسید، دیه زن نصف مرد می شود، خواه جانی زن باشد یا مرد. (فخرالمحققین: ۱۴۰۵: ۷۵)

مبانی فقهی حکم نصف بودن دیه زن

برای پی بردن به مبنا و منبع اسلامی این حکم باید قرآن و سنت و حکم عقلی یا توجیه عقلی را ملاحظه و مورد بررسی قرار داد:

بر اساس آیه ۳۵ سوره احزاب که می فرماید برای زنان و مردان در صورت انجام کارهای نیک پاداش مساوی در نظر گرفته شده است و اینگونه نیست که چون مردان برتر هستند به آنها پاداش ویژه ای داده شود و هم چنین سوره کوثر بنا بر نظر برخی از مفسرین در شان حضرت فاطمه (س) نازل شده است

از دید عده ای دیگر از صاحب نظران، تصف بودن دیه زن نسبت به مرد به علت نقش بیشتر و موثرتر مرد در اقتصاد خانواده است یعنی در واقع یک خانواده با از دست دادن مردی که مخارج خانواده را تأمین می کرد، لطمه شدیدی را متحمل می شوند و دیه برای جبران بخشی از این خسارت است. این گروه معتقدند حال که به دلیل اینکه صدمات از دست دادن مرد بیشتر است، این تفاوت باید در نظر گرفته شود و از آنجا که از لحاظ شرعی و حکم قانونی، مردان تأمین کننده نیاز خانواده هستند و خانواده از لحاظ اقتصادی به مرد وابسته است و دیه او باید بیشتر از آن باشد. در واقع در این جا از ارزش وجودی مرد یا زن حرفی زده نشده است. (مهر پور، ۱۳۸۴: ۴۶)

شهید مطهری می گوید قرآن در این زمینه سکوت نکرده و زن و مرد را از یک سرشت می داند و در آیه ۱ سوره نساء می فرماید: «همه شما را از یک پدر آفریدیم و جفت آن پدر را از جنس خود او قرار دادیم.» با در سوره های نساء و نحل و روم به مضمون اینکه خداوند از جنس خود شما همسر آفریده اشاره شده و این ها همه در پاسخ به یأوه گویی افرادی است که سرشت و فطرت زن را پست تر از مرد می دانند. (مطهری، ۱۳۷۸: ۴۶)

یکی دیگر از نظرات این باره گویان این است که زن را عامل تمام گناهایی است که مرد می کند و معتقدند زن شیطان کوچک است یعنی ابتدا شیطان زن را فریب می دهد و من هم در ادامه مرد را این گروه برای استناد به تصحیح نظر خود، به داستان آدم و حوا و اینکه حوا در ابتدا مورد وسوسه شیطان قرار گرفت و سپس حواء آدم را وسوسه می کند. نظر تحقیر آمیز دیگر این است که سهم زن در تولید فرزند بسیار ناچیز است و تنها ظرفی است برای نگه داشتن نطفه مرد و در واقع این نظر اعراب جاهلی بود که زن را مایه تحقیر قرار می دانند.

در حالی که قرآن در پاسخ به آنها می گوید شما را از مرد و زنی آفریدیم، پس قرآن نظر تحقیر آمیز به زن ندارد. زمانی که با خود می اندیشیم پی می بریم که عقل انسان این قانون را عادلانه نمی داند، اما خدایی که ما را آفریده از حکمت وجودی آن باخبر است. همانطور که نماز در سفر شکسته است حتی اگر هیچ مشقتی نداشته باشد و احکام الهی حکمت های عمیقی دارند که عقل انسان در فهم آن عاجز است تنها دیه یک خانم پزشک نیست که نصف دیه یک مرد معتاد است، بلکه دیه ی یک مرد مرجع تقلید یا فقیه با دیه ی یک فرد گناهکار برابر است. دیه یک کارگر ساده با دیه یک پزشک که خدمت فراوانی به جامعه می کند برابر است.

پس از این مسأله بی می بریم که ارزش زن و مرد به دیه آنها نیست یعنی شما برای اینکه بفهمید یک انسان چقدر ارزش دارد نباید به میزان دیه او نگاه کنید. ارزش انسان ها به تقوا و ارتباط او با خداوند است و اوج گرفتن معنوی است (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۴۶)

ارزش جان انسان ها به قدری بالاست که در قرآن می فرماید: «هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل با فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان ها را کشته است و هر کس انسانی را از مرگ رهایی بخشد، چنان است که گویی همه مردم را زنده کرده است.» (مائده، آیه ۳۲)

حرمت مؤمن از خانه کعبه بزرگتر است. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۲) قیمت نفس انسان بهشت است، آن را کمتر از آن نفروشید. (دستی: ۱۳۸۱: ۲۰۰)

پس دیه در نظر گرفته شده برای انسان، ارزش وجودی او نیست و قیمت او را مشخص نمی کند، بلکه در این احادیث و آیات، عام بیان شده و هیچ اسمی از مرد یا زن مطرح نشده و هیچ امتیاز و ارزش وجودی برای مرد در نظر نگرفته که به زن نداده باشد. به رغم حقانیت این حکم شرعی که در حال اجراست، اشکالاتی در اجرای آن وجود دارد، مثل عدم توانایی پرداخت ما به تفاوت دیه از سوی اولیای دم مقتول زن، ایشان به حقی که خداوند برای آن ها در نظر گرفته، تمیز مستند و این موجب نارضایتی صاحبان حق، افزایش مدت و تعداد زندانیان و موجب تأخیر در اجرای قصاص می شود.

در پاسخ به این اشکال می توان از راه اضافه کردن ماده و تبصره، کمک گرفتن از صندوق های وام، بیمه، خیریه با کمک مالی دولت برطرف کرد. (شفیعی سروستانی، ۱۳۸۰: ۳۵)

تساوی دیه زن و مرد از نظر برخی از فقهای معاصرو نظرات آن ها در مورد دیه اعضا

مرحوم مقدس اردبیلی نیز در کتاب مجمع الفائدة و البرهان مساله نصف بودن دیه زن را به گونه ای طرح کرده است که گویی چندان اعتقادی به استحکام دلایل آن ندارد. وی در شرح عبارت علامه در کتاب ارشاد که دیه زن نصف دیه مرد است می گوید:

گویا دلیل آن اجماع و اخبار است که قبلا از آنها یاد شد. (مقدس اردبیلی، همان: ۱۲) فقهای شیعه عموماً در مورد دیه اعضا همانند حکم مقرر در قانون مجازات اسلامی بر این باورند که دیه زن و مرد تا وقتی دیه به حد ثلث دیه کامل برسد مساوی است و وقتی از ثلث تجاوز کرد، دیه زن نصف دیه مرد یا به تعبیر دیگری دیه مرد، دو برابر دیه زن می شود. (خویی، ۱۴۱۲: ۷۵)

در بین فقهای شیعه ما سراغ نداریم کسی قائل به تساوی دیه زن و مرد به طور کلی یا نصف بودن دیه زن نسبت به مرد در همه مراحل یعنی حتی کمتر از ثلث باشد. البته این سؤال از سوی برخی از فقها مطرح شده که اگر مرتکب جنایت جرح و نقص عضو، زن باشد یعنی هم جانی و هم مجنی علیها هر دو زن باشند؛ آیا در اینجا هم تا حد ثلث، باید معادل دیه مرد به زن داده شود یا چون مرتکب جنایت زن است از همان ابتدا نصف دیه تعلق می گیرد؟ مثلاً، اگر زنی یک انگشت زن دیگر را قطع کند آیا باید ده شتر به عنوان دیه بدهد یا پنج شتر؟ چنانکه گفتیم اگر مردی تا سه انگشت زنی را قطع کند باید دیه را مطابق دیه ای که به مرد تعلق می گیرد بدهد. یعنی ده، بیست و سی شتر. ولی اگر چهار انگشت را قطع کرد از آنجا به بعد دیه زن نصف می شود و حال بحث بر این است که اگر جانی زن باشد باز همان روال حاکم است یا در این صورت از همان ابتدا نصف دیه داده می شود؟ علامه در کتاب ارشاد می گوید از این حیث فرقی نمی کند جانی زن باشد یا مرد «سواء كان الجانی رجلاً او امرأة ففی ثلث اصابع ثلاثاً و فی اربع مائتان (همان) در قواعد در این امر تردید نموده و گفته است: زن و مرد از لحاظ دیه و قصاص در اعضا با هم مساوی اند تا مقدار دیه به ثلث برسد وقتی به ثلث رسید دیه زن نصف مرد می شود خواه جانی زن باشد یا مرد با اشکال در جایی که جانی زن است .

برخی از فقها از جمله مقدس اردبیلی در کتاب مجمع الفائدة و البرهان معتقدند اگر مرتکب جنایت زن باشد علی الاصول از همان ابتدا دیه اعضای زن نصف دیه مرد است. یعنی همان طور که گفته شد اگر زنی مثلاً انگشت زن دیگری را قطع کند در یک انگشت پنج شتر، در دو انگشت ده شتر، در سه انگشت پانزده شتر و در چهار انگشت بیست شتر و به همین ترتیب در همه مراحل معادل نصف دیه مربوط به مرد را باید بپردازد و می گویند حکم مربوط به یکسان بودن دیه زن و مرد در مورد اعضای بدن تا میزان ثلث دیه خلاف قاعده است و باید منحصر در موردی که دلیل خاصی برای آن وجود دارد اجرا شود و دلیل هم که عبارت از برخی احادیث است ناظر به موردی است که جانی مرد باشد ولی در جایی که جانی زن باشد، دلیلی بر خروج از اصل و قاعده نصف بودن دیه زن نسبت به مرد نیست و باید در هر حال نصف دیه پرداخت شود. (اردبیلی، ۱۳۸۸: ۷۱)

نظر فلاسفه و اندیشمندان غرب در مورد جایگاه زن در اسلام

فلاسفه غرب معتقدند اسلام با آنکه دین مساوات و برابری است، اما در مورد حقوق زن مقررات تحقیر آمیزی وضع کرده است می گویند تمام مقررات و قوانین فیل قرن بیستم بر این پایه بوده که مرد جنس شریف تر از آن است و زن برای استفاده و استمناء مرد آفریده شده و اسلام را دین مردان می دانند آنها معتقدند دیه اسلام به زن به عنوان یک انسان تمام عیار نیست که اگر خلاف آن بود، تعدد زوجات را تجویز نمی گردد حق طلاق را به مرد نمی داد، شهادت دو زن را با یک مرد برابر نمی کرده برای زن قیمتی به نام مهریه قائل نمی شد، یا همین بحث ما دیه زن را نصف مرد نمی دانست. (مطهری، ۱۳۷۸: ۱۲)

از نظر اسلام زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن و دیگری مرد، در جهات مختلفی متشابه یکدیگر نیستند و به دلیل همین تفاوت در خلقت و طبیعت، بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات های آنها با هم تفاوت دارند. در دنیای غرب، امروزه سعی می شود میان مرد و زن از لحاظ قوانین و مقررات و حقوق و وظایف، وضع مشابهی به وجود آورند و این تنها با نادیده گرفتن تفاوت های طبیعی زن و مرد امکان دارد.

در واقع شهید مطهری معتقد است آنچه جامعه غرب به عنوان تساوی حقوق زن و مرد به آن قائل شده، در اصل تساوی نیست، بلکه تشابه است، چون اگر قرار باشد حقوق زن، مساوی با حقوق مرد باشد، باید دارای یک نوع خلقت و فطرت بودند در حالی که اینگونه نیست. ایشان می فرمایند: «ما به این مسئله اذعان داریم که در جامعه ی اسلامی هم هنوز بسیاری از حقوق زن که باید بر اساس خلقت او به او داده شود، مورد بی توجهی قرار گرفته است.» (مطهری، ۱۳۷۸: ۵۶)

بررسی میزان دیه در زن و مرد و مبانی آن در حقوق کیفری ایران

دیه و مقدار آن در مورد زن و مرد در حقوق کیفری

قانون مجازات اسلامی در ماده ۱۲، مجازاتهای مقرر در قانون مزبور را پنج قسم دانسته که عبارتند از: حدود، قصاص، دیات، تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده. بنابراین دیه یکی از انواع مجازات است که بر مجرم اعمال می شود. در ماده ۱۵ همان قانون دیه به این صورت تعریف شده است: «دیه، مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است.»

دو عنوان دیگر هم در کنار دیه ذکر می شود که عبارت است از: ارش و حکومت.

قانون مجازات اسلامی در موارد مختلفی از محکوم شدن جانی به ارش سخن گفته است و در ماده ۴۹۵ در مقام بیان مفهوم ارش گفته است:

در کلیه مواردی که به موجب این قانون ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن دیه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت، میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعیین می شود. (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲: ۷۲)

عنوان حکومت در برخی کتابهای فقهی همراه ارش و به معنای آن به کار رفته است و گاهی هم به معنای حکم قاضی به پرداخت مبلغی خسارت با مصالحه طرفین و یا با نظر خود برای حل قضیه استعمال شده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۲). مثلاً، امام خمینی (س) در کتاب تحریر الوسیله می فرماید عنوان ارش یا حکومت به یک معنا هستند و منظور این است که شخص صدمه دیده (در جایی که دیه مشخص برای جراحت او تعیین نشده) با فرض برده و مملوک بودن یک بار در حال سلامت و کمال تقویم می شود و یک بار در حال مجروح بودن و صدمه مربوطه را داشتن ارزیابی می شود و ما به التفاوت بین آن دو یمت با توجه به میزان دیه کامل انسان به او پرداخت می شود. ولی اگر فرضاً تفاوت قیمتی وجود نداشته باشد، قاضی باید بر مبنای مصالحه صدمه دیده با مجرم یا به حکم و نظر خود در صورت عدم تصالح، مجرم را به پرداخت مبلغی در حق مصدوم محکوم نماید و در اینجا معنی حکومت با ارش فرق می کند. (خمینی، همان)

قانون مجازات اسلامی مستقلاً از عنوان «حکومت» به مفهوم معادل ارش استفاده نکرده، و ارش را هم چنانکه گفتیم طبق ماده ۴۹۵ بدون اشاره به قیمت کردن انسان سالم و مجروح (که امروزه عملی نیست) تعریف کرده است. اما در برخی موارد از حکم قاضی بر مبنای مصالحه یا نظر خود قاضی نام برده است. مثلاً، در ماده ۴۷۳ می گوید: «ارش جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد». در تبصره ماده ۴۷۴ می گوید: «هر گاه سلس و ریش ادرار بعضی از روزها بوده و بعداً خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود»

به هر حال دیه و در کنار آن ارش و حکومت، که در قانون مجازات اسلامی به تبعیت از کتب فقهی در ردیف مجازاتها ذکر شده، محکومیت مالی است که بر شخص مرتکب قتل یا جرح بار می شود و میزان و مقدار محکومیت مالی در مورد دیه در قانون مشخص است ولی ارش و حکومت، با مقایسه ارزش شخص سالم و مصدوم و مابه التفاوت آنها و در نظر گرفتن سقف دیه کل تعیین می شود و گاه نیز دادگاه میزان خسارت و مبلغی را که باید پرداخت شود تعیین می کند که به این مورد حکومت به معنای خاص آن اطلاق می شود. (گرگی، ۱۳۸۸: ۸۹)

علی الاصول، دیه به قتل یا جرح غیر عمدی تعلق می گیرد ولی در صورت عمد هم ممکن است ولی دم یا مجنی علیه از قصاص بگذرد و به گرفتن دیه راضی شود که در این صورت قصاص به دیه تبدیل می شود. ماده ۲۵۷ قانون مجازات اسلامی می گوید: «قتل عمد موجب قصاص است لکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا کمتر یا زیاده از آن تبدیل می شود». قانون مجازات اسلامی میزان دیه را تعیین کرده است. ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی دیه قتل مرد مسلمان را یکی از امور ششگانه زیر: یک صد شتر، دویست گاو، یک هزار گوسفند، دویست دست لباس از حله های یمن، یک هزار دینار و ده هزار درهم تعیین کرده است و در مواد مختلف دیه قطع یا نقص عضو هر یک از اعضای بدن نیز معین شده است.

قانون مجازات اسلامی در مورد میزان دیه زن بدین گونه عمل کرده است که دیه قتل زن را، چه قتل عمدی و چه غیر عمدی، نصف دیه مرد قرار داده است همان طور که در صدر مقال اشاره شد ماده ۳۰۰ قانون مجازات اسلامی می گوید: «دیه قتل زن مسلمان، خواه عمدی خواه غیر عمدی، نصف دیه مرد مسلمان است»

در مبحث مربوط به دیه سقط جنین نیز بند ۶ ماده ۴۸۷ مقرر می دارد:

دیه جنین که روح در آن پیدا شده است اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه کامل و اگر مشتبه باشد سه ربع دیه کامل خواهد بود.

ولی در خصوص دیه مربوط به جرح، قانون مجازات اسلامی راه دیگری را در پیش گرفته است نه به طور مطلق، همانند مورد قتل، دیه زن را نصف دیه مرد قرار داده و نه به طور کامل و مطلق دیه زن را با دیه مرد مساوی دانسته است؛ بلکه تا یک میزان، دیه مرد و زن مساوی است و بیشتر از آن میزان، دیه زن نصف دیه مرد می شود. ماده ۳۰۱ قانون مجازات اسلامی مقرر می دارد: «دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد، در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است» همین روش در قانون مجازات در مورد قصاص عضو اتخاذ شده است. در ماده ۲۷۳ آمده است «در قصاص عضو، زن و مرد برابرند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود؛ مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد پردازد»

بنابراین، از آنجا که طبق ذیل ماده ۴۲۴ قانون مجازات اسلامی دیه هر انگشت عشر (یک دهم) دیه کامل است دیه قطع سه انگشت زن ۳۰ شتر یا سیصد دینار است و چون به میزان ثلث دیه کامل نرسیده است با دیه مرد مساوی است؛ ولی قطع چهار انگشت زن چون دیه اش از ثلث دیه کامل زیادتیر می شود یعنی ۴۰ شتر یا چهارصد دینار، ۲۰ شتر یا دویست دینار تعیین شده است یعنی نصف دیه مرد.

در برخی موارد هم قانون مجازات اسلامی بدون اینکه ضابطه و ملاک نصف بودن را رعایت کرده باشد بین دیه زن و مرد تفاوت گذاشته است. مثلاً، ماده ۴۸۳ مقرر می دارد:

هر گاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی که مجنی علیه مرد باشد، دیه آن یک صد دینار و در صورتی که زن باشد، دادن ارش لازم است.

در این مورد خاص، نه حکم به تساوی دیه زن و مرد شده نه بر مبنای نصف بودن دیه زن نسبت به مرد تعیین حکم شده است. تعیین میزان ارش برای زن ممکن است، حسب مورد بیشتر از صد دینار یا معادل آن یا کمتر از آن باشد. (فیض، ۱۳۷۲: ۷۰)

مبانی حکم دیه و مقررات متفاوت آن در مورد زن و مرد در قانون مجازات

در قوانین عرفی امروز، ارتکاب قتل و جرح و ضرب، از یکسو، جنبه کیفری دارد و مجازات اعدام و حبس و جریمه نقدی و احیاناً کیفرهای دیگر بر آن مترتب است که عمدتاً جنبه عمومی دارد و حکومت به خاطر تجری مرتکب به نقض حریم جامعه و حقوق و امنیت دیگران و با هدف تنبیه مجرم یا تادیب او یا عبرت دیگران و پیشگیری و بازدارندگی و یا همه آنها، وی را به مجازات متناسب طبق قانون محکوم می نماید. شکایت و پیگیری مجنی علیه یا گذشت و عدم تعقیب او می تواند از عوامل مخففه تعیین کیفر باشد و در موارد صدمات خفیف ممکن است به طور کلی موجب عدم پیگرد و یا موقوف ماندن پیگرد و اعمال مجازات نسبت به وی گردد.

غیر از این جهت مجازات، مجنی علیه یا اولیای او، از حق خصوصی درخواست زیان وارده به آنها در اثر جرم برخوردارند. طبق ماده ۱۲ قانون آئین دادرسی کیفری «همین که متهم به جتهی از جهات قانونی تحت تعقیب قرار گرفت متضرر از جرم می تواند کلیه دلایل و مدارک خود را... تسلیم دادگاه کرده و مطالبه ضرر و زیان نماید» طبق ماده ۵ قانون مسئولیت مدنی:

اگر در اثر آسیبی که به بدن یا سلامتی کسی وارد شده در بدن او نقص پیدا شود یا قوه کار زیان دیده کم گردد و یا از بین برود و یا موجب افزایش مخارج زندگانی او بشود واردکننده زیان مسئول جبران کلیه خسارات مزبور است.

طبق ماده ۶ همان قانون:

در صورت مرگ آسیب دیده مرتکب باید کلیه هزینه ها از مخارج معالجه و هزینه کفن و دفن و نیز مخارج افرادی که نفقه آنها از سوی متوفی تامین می شده است را در صورت مطالبه به حکم دادگاه تادیه نماید.

قانون بیمه اجباری وسائل نقلیه موتوری گامی رو به جلو

در حال حاضر با توجه به اینکه در عصر حاضر و با توجه به اینکه زنان نیز وظایف اقتصادی و سرپرستی خانوارها را برعهده دارند، این مبنا می تواند دچار تغییر و تحولات اساسی بشود. همچنان که قانون بیمه اجباری وسائل نقلیه موتوری زمینی از این اصل عدول کرده است و حکم به پرداخت دیه مساوی داده است. مرحوم امام خمینی پیرامون تغییرات احکام بیان می دارند که « احکام در هر مقطعی و در هر مکانی با مقاطع دیگر به دلیل متفاوت بودن شرایط و اثربخشی دو عنصر زمان و مکان در شکل گیری موضوع متفاوت است... زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند مسأله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسأله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند بدان معنا که باشناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است واقعاً موضوع جدیدی شده است که حکم جدیدی می طلبد» (خمینی، ۱۳۷۲: ۹۸)

آنچنان که بیان شد فلسفه تفاوت دیه زن و مرد به خاطر این است که مرد مسئول تأمین معاش خانواده است و زن این مسئولیت را ندارد. اما ولی در شرایط فعلی زنانی هستند که سرپرست خانوارند و خودشان تأمین معاش خانواده را برعهده دارند. اگر به این خانم صدمه ای وارد شود، ستون اقتصاد خانواده از بین می رود اما اینجا هم دیه خانم یک دوم محسوب می شود.

ماده ۱۰ قانون بیمه اجباری وسائل نقلیه موتوری زمینی اشعار می دارد که « بیمه گر مکلف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و دین تا سقف تعهدات بیمه نامه پرداخت کند. مراجع قضائی موظفند در انشای حکم پرداخت دیه، مبلغ مازاد بر دیه موضوع این ماده را به عنوان بیمه حوادث درج کنند» این ماده می تواند مبنای تحولات اساسی پیرامون دیه و ارث زن در آینده ای نه چندان دور واقع شود و موجبات این امر را فراهم کند تا برابری در پرداخت دیه و ارث زن و مرد فراهم گردد.

نتیجه گیری

مسأله دیه زن و مرد و تفاوت آن با دیه متعلق به مرد را در قانون مجازات اسلامی ایران و مبنای فقهی آن در حد امکان بررسی کردیم و سیری در مبانی و ادله آن نمودیم و گاه در ضمن بحث، اندک نقدی هم به عمل آوردیم. نتیجه گیری و اظهار نظر قطعی و جزمی دشوار است ولی به هر حال در این سیری که در دلایل و منابع حکم موجود در این زمینه، یعنی نصف بودن دیه زن نسبت به مرد به عمل آوردیم این نتایج به دست آمد:

قرآن کریم اصل پرداخت دیه به خانواده مقتول را در مورد قتل غیر عمدی تشریح نموده و آن را مقرر کرده است ولی نه میزان آن را تعیین کرده و نه اشاره ای به تفاوت بین زن و مرد نموده است. البته از دیه مربوط به نقص عضو و جراحت وارده به اعضای انسانی نیز در قرآن ذکری به میان نیامده است.

روایات قولی و عملی در مورد دیه مختلف و متعارض است و به همین جهت فقها اختلاف نظر دارند ولی ظاهراً آیه قرآن این است که امر دیه موکول به عرف و تراضی طرفین است.

اسلام در دوره ای ظهور کرد که زنان سخت مورد آزار و اذیت بودند و به حساب نمی آمدند. چون اسلام نتوانست عملاً حقوق کامل آنها را بدهد سعی کرد وضع آنها را اصلاح کند و حداقل حقوقی معادل نصف حقوق مردان برای آنها برقرار نماید و لذا سهم الارث آنان را نصف مردان قرار داد و شهادت دو زن را در حد شهادت یک مرد قابل قبول اعلام کرد ولی این عدم تساوی بین زن و مرد قطعی و همیشگی نیست.

وابستگی اقتصادی زن نقش مهمی در این عدم تساوی بازی می کند و ملاک برتری که در قرآن برای مرد نسبت به زن بیان شده، تکلیف مرد به دادن نفقه و تامین معیشت او است. در آیه ۳۴ سوره نساء آمده است: «الرجال قوامون علی النساء بما فضل الله بعضهم علی بعض و بما انفقوا من اموالهم». ولی اساس کار تساوی مطلق بین زن و مرد بر اساس مسئولیت شخصی است و به این دلیل در صورتی که وضعیت فرق کند و زنان نظیر مردان مسئولیتها و مشاغل اجتماعی را به عهده بگیرند طبعاً باید حقوق مساوی با مردان داشته باشند. در نتیجه اگر زن شغل قضا را احراز کرد دیگر نمی توان شهادت او را نصف شهادت مرد قرار داد (و طبعاً اگر در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی نقش مؤثر خود را داشت، در مورد نصف بودن دیه او نیز باید تجدید نظر کرد). در حقوق کیفری ایران نیز در برخی موارد هم قانون بدون اینکه ضابطه و ملاک نصف بودن را رعایت کرده باشد بین دیه زن و مرد تفاوت گذاشته است. مثلاً، ماده ۴۸۳ مقرر می دارد: هر گاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی که مجنی علیه مرد باشد، دیه آن یک صد دینار و در صورتی که زن باشد، دادن ارش لازم است. در این مورد خاص، نه حکم به تساوی دیه زن و مرد شده نه بر مبنای نصف بودن دیه زن نسبت به مرد تعیین حکم شده است. تعیین میزان ارش برای زن ممکن است، حسب مورد بیشتر از صد دینار یا معادل آن یا کمتر از آن باشد.

منابع

قرآن کریم

- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۸، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۶۹، زن در آئینه جلال و جمال، تهران، نشر مرکز فرهنگی رجا
- حر عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۱، ابواب دیه اعضا، باب ۴۴، جلد ۱، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث
- ، ۱۳۷۲، وسائل الشیعه، جلد ۱۹، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث
- خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۲) مبانی تکلمه المنهاج، ج ۳، نجف، نشر مطبع الاداب
- خمینی، روح الله (۱۳۷۲) صحیفه نور، تهران، انتشارات مرکز تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ح ۲۱، ص ۹۸
- دشتی، محمد، ۱۳۸۱، نهج البلاغه امیرالمؤمنین حضرت علی(ع)، چاپ بیست و یکم، تهران، انتشارات الهادی
- راغب اصفهانی، ۱۴۱۴، مفردات، قم، مدرسه امیرالمؤمنین ع
- شفیعی سروستانی، ابراهیم، ۱۳۸۰، تفاوت زن و مرد در دیه و قصاص، تهران، انتشارات سفیر صبح
- شیخ مفید: ۱۴۱۶: المقنعه، قم، دارالنشر
- علی، جوادی، ۱۹۶۹ م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، جلد ۵، بیروت، انتشارات دار العلم للمالین
- فیض، علیرضا، ۱۳۷۲، دیه، چاپ اول، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- قمی، عباس، ۱۳۹۰، منتهی الآمال، تهران، انتشارات مبین اندیشه
- گرچی، ابوالقاسم، دیات، چاپ دوم، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران. ۱۳۸۸
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی

-
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، نظام حقوقی زن در اسلام، قم، انتشارات صدرا
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۷۸، تحریر الوسیله، چاپ چهارم، جلد ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره: ج ۱
- موسوی خمینی، روح الله، ۱۳۹۰، تحریر الوسیله، چاپ چهارم، جلد ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره: ج ۲
- موسوی، سید رضا، ۱۳۹۵، قانون مجازات اسلامی، چاپ پنجم، تهران، انتشارات هزار رنگ
- مهرپور، حسین، ۱۳۸۴، مباحثی از حقوق زن از منظر حقوق داخلی، مبانی فقهی و موازین بین المللی، چاپ دوم، تهران، میرمحمد صادقی، حسین، ۱۳۹۲، تهران، نشر میزان
- مقدس اردبیلی: ۱۴۱۹: مجمع الفائده و البرهان: قم، انتشارات دارالهدی
- نجفی، محمد حسن، ۱۳۶۵، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، چاپ دوم، جلد ۴۲، انتشارات دارالکتب اسلامی